DOI: 10.22122/rbs.v17i2.2572

مقایسه رضایت، همبستگی، توافق، ابراز محبت و سازگاری همسران در ازدواج اول و دوم به بالا

مژگان امدادی[1]، مجید ضرغام حاجبی[2]، حسن میرزا حسینی[3]، نادر منیرپور[4]

مقاله پژوهشی

چکیده

زمینه و هدف: عدم بردباری و شتاب همسران جهت طلاق و ازدواج های مجدد بنیاد خانواده ها را سست نموده است. از این رو هدف پژوهش حاضر مقایسه رضایت، همبستگی، توافق، ابراز محبت و سازگاری همسران در ازدواج اول و دوم به بالا بود.

مواد و روش‌ها: جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه خانواده های ازدواج اول و دوم به بالای استان مازندران بود. نمونه این پژوهش شامل ۱۱۲۷ نفر (۲۵۱ زوج با ازدواج دوم به بالا و ۳۱۳ زوج با ازدواج اول) بود که با استفاده از فرمول تعیین حجم نمونه کوکران مشخص و با روش نمونه گیری دردسترس انتخاب شدند. شرکت کنندگان مقیاس سازگاری زناشویی (Dyadic Adjustment Scale یا DAS) را تکمیل نمودند. برای تحلیل داده های پژوهش از شاخص های توصیفی مربوط به سازگاری همسران به تفکیک دو خانواده های ازدواج اول و دوم به بالا استفاده شد. همچنین برای مقایسه میانگین سازگاری همسران خانواده های ازدواج اول دوم به بالا از آزمون یومان ویتنی استفاده گردید.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که میانگین متغیرهای همبستگی، توافق، ابراز محبت و رضایت زوجین و به طور کلی سازگاری زوجی در گروه خانواده‌های ازدواج اول بیشتر از خانواده های ازدواج دارای ازدواج مجدد است ($p<۰/۰۵$).

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش حاضر نشان داد که زوجین نباید برای فرار از مشکلات عجله نموده و به امید ازدواج مجدد به سرعت وارد فرایند طلاق و ازدواج مجدد گردند. این موارد در مشاوره های قبل از ازدواج و خانواده بویژه در افراد دارای سابقه ازدواج مورد توجه قرار گیرد. همچنین همسران از عجله و شتاب در امر طلاق برای ازدواج مجدد بازداشته شوند.

واژه‌های کلیدی: ابراز محبت همسران، توافق، رضایت، همبستگی، سازگاری زوجی.

ارجاع: امدادی مژگان، ضرغام حاجبی مجید، میرزا حسینی حسن، منیرپور نادر. **مقایسه رضایت، همبستگی، توافق، ابراز محبت و سازگاری همسران در ازدواج اول و دوم به بالا.** مجله تحقیقات علوم رفتاری ۱۳۹۸؛ ۱۷(۲): ۲۲۰-۲۱۴.

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۴/۲۳ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۰۶/۰۱

۱- دانشجوی دکترای روانشناسی، گروه روان‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.
۲- استادیار، گروه روان‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.
۳- استادیار، گروه روان‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.
۴- استادیار، گروه روان‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.
نویسنده مسئول: مجید ضرغام حاجبی
Email: zarghamhajebi@gmail.com

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1398.17.2.5.0]
[DOI: 10.52547/rbs.17.2.214]

مقدمه

دوام و پایداری یک خانواده به‌واسطه ازدواج (Marriage) حفظ می‌شود، اما این دوام و پایداری نیازمند یک محیط خانوادگی سالم است تا زوجین به یکدیگر اعتماد کنند، خود را به عشق و احترام مجهز سازند، مهارت‌های حل مسئله خود را گسترش دهند و ارتباط سالم با یکدیگر را ادامه دهند. همچنین ازدواج خوب سبب احساس معنی و هویت در زندگی آن‌ها می‌شود (۱). ازدواج‌ها با یک دوره سازگاری زناشویی (Marital adjustment) شروع می‌شوند و در این دوره هر یک از زوجین تطابق با ازدواج را یاد می‌گیرند. سازگاری زناشویی به تطابق هر یک از زوجین با دیگری، تطابق با نقش‌های جدید زن‌وشوهری و مسئولیت‌های رابطه زناشویی اشاره دارد (۲). سازگاری زناشویی همچنین به‌عنوان فرایند تغییر، سازگاری و اصلاح رفتار و تعامل افراد و زوجین به‌منظور رسیدن با بالاترین رضایت در رابطه تعریف‌شده است (۳). Spanier سازگاری زناشویی را یک فرایند می‌داند که شامل ۱) تفاوت‌های زوجی مشکل‌ساز، ۲) تنش‌های بین فردی و اضطراب فردی، ۳) رضایت زناشویی، ۴) همبستگی زناشویی و ۵) توافق در مورد موضوعات مهم زناشویی است (۴). ناموران گرمی و همکاران معتقدند سازگاری زناشویی زوج‌های ایرانی را می‌توان بر اساس مسئولیت‌پذیری (تعهد، بهسازی زندگی)، تفاهم (ارزیابی واقع‌بینانه، پذیرش، همدلی، تصمیم گیری مشارکتی، توافق)، ساختار ارتباطی (رابطه برابر، سلسله‌مراتب متعادل، حفظ مرزها) و تعارض (مدارا، حل تعارض جرأتمندانه، ترک پرخاشگری) توصیف کرد (۵).

عوامل متعدد روان‌شناختی (صفات شخصیتی، نگرش‌ها، باورها)، جامعه‌شناختی (سن، نژاد، تحصیلات، دین)، روندهای اجتماعی (تأخیر در ازدواج و بچه‌دار شدن)، والدگری و سلامت جسمی و روانی پیش‌بینی کننده سازگاری زناشویی هستند. در پژوهش‌های دیگر نیز به منابع اجتماعی و فردی مثل سبک دلبستگی، رضایت از سبک زندگی، پاداش‌های ناشی از تعامل با همسر، تفاوت سنی بین زن و شوهر، مدت ازدواج، شمار فرزندان، دین‌داری و بلوغ هیجانی اشاره‌شده است (۲، ۶، ۷، ۸). سازگاری زناشویی با پریشانی روان‌شناختی بیشتر ازجمله علائم افسردگی و اضطراب، تفکر خودکشی، عزت‌نفس پایین و سایر علائم روان‌شناختی مرتبط است (۹، ۱۰، ۱۱). اگرچه زوج‌های سازگار ازدواج پایدارتری دارند اما انتظار می‌رود که ازدواج‌های ناسازگار به طلاق ختم شوند (۲). بررسی آمارهای طلاق در جهان نیز حاکی از رشد طلاق و تزلزل نهاد خانواده است. به‌عنوان‌مثال طی چهار دهه گذشته شیوع طلاق ۶ برابر شده است. در آمریکای شمالی حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد ازدواج‌های اول به طلاق منجر می‌شوند و ایالات‌متحده بالاترین شیوع طلاق را در دنیای غرب دارد (۱۲). بر اساس اطلاعات درگاه ملی آمار ایران (Statistical Center of Iran) در سال ۱۳۹۵ به ترتیب ۱۶۸۷۷۴ و ۱۲۲۷۵ مورد طلاق در نقاط شهری (۱۳) و روستایی (۱۴) به وقوع پیوسته است. با افزایش و پایین آمدن سن طلاق افراد وارد ازدواج مجدد (Remarriage) می‌شوند. ازدواج‌های دوم با استرس‌ها و چالش‌های قابل‌توجهی روبرو هستند (۱۵). بیش از ۶۰ درصد ازدواج‌های دوم و ۷۲ درصد ازدواج‌های سوم به طلاق ختم می‌شوند (۶). McCarthy و McCarthy گزارش کردند که ۳۵ تا ۴۰ درصد ازدواج‌های اول به طلاق می‌انجامند. اگرچه ۶۵ تا ۷۰ درصد ازدواج‌های دوم به طلاق می‌انجامد، اما در ازدواج‌های دوم موفق رضایت و افتخار زناشویی بیشتری نسبت به ازدواج‌های موفق اول تجربه می‌شود (۱۶).

McDonald و همکاران مشاهده کردند افراد دارای سابقه ازدواج قبلی سازگاری زناشویی کمتری نسبت به افراد فاقد سابقه قبلی ازدواج گزارش می‌کنند. آن‌ها نتیجه گرفتند که ازدواج قبلی عامل خطری است که با سازگاری زناشویی پایین‌تر رابطه دارد (۶). Lucas با بررسی کیفیت سازگاری زناشویی در ازدواج‌های اول و دوم دریافت که سازگاری زناشویی بالاتری در ازدواج‌های اول نسبت به ازدواج دوم تجربه می‌شود (۱۷). احمدی در پژوهش خود نشان داد که حدود ۲۴/۵ درصد از زنان فاقد همسر شهید یا متوفی ازدواج مجدد داشته‌اند. از بین ۲۴/۵ درصد زنان دارای ازدواج مجدد ۳۶ درصد دچار ناسازگاری زناشویی و ۱۶ درصد در حال طلاق بودند. آن‌ها تفاوتی در علائم روان‌شناختی (بدنی شکل، وسواس، روابط بین فردی، افسردگی، اضطراب، خصومت، ترس مرضی، پارانویید و روان‌پریشی) زنان دارای ازدواج مجدد و عدم ازدواج مجدد مشاهده نکردند (۱۸). باوجوداین Bir Aktürk (۱۹) در بررسی خود دریافت که تفاوتی بین افراد ازدواج اولی، ازدواج‌کرده پس از طلاق و

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1398.17.2.5.0]
[DOI: 10.52547/rbs.17.2.214]

ازدواج‌کرده پس از داغدیدگی در رضایت زناشویی (اندازه‌گیری شده با مقیاس سازگاری زناشویی) وجود ندارد. با توجه به شیوع طلاق و ازدواج‌های مجدد (۱۴-۱۱) و همچنین پیامدهای ناشی از ازدواج مجدد (۶، ۱۶) این پژوهش باهدف مقایسه رضایت، همبستگی، توافق، ابراز محبت و سازگاری همسران در ازدواج اول و دوم به بالا انجام شد.

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از نوع علی مقایسه‌ای بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه خانواده‌های ازدواج اول و ازدواج دوم به بالای استان مازندران است. نمونه این پژوهش شامل ۱۱۲۷ نفر (۲۵۱ زوج ازدواج دوم به بالا و ۳۱۳ زوج ازدواج اول) بود که با استفاده از فرمول تعیین حجم نمونه کوکران (Cochran) مشخص و با روش نمونه‌گیری دردسترس انتخاب شدند. برای هر زوج، پرسشنامه‌ها طی سه جلسه از تاریخ ۱۳۹۶/۳/۱ لغایت ۱۳۹۶/۱۲/۲۰ اجرا و جمع‌آوری شد. برای تحلیل داده‌های پژوهش از شاخص‌های توصیفی مربوط به سازگاری همسران به تفکیک دو خانواده‌های ازدواج اول و دوم به بالا استفاده شد. همچنین برای مقایسه میانگین سازگاری همسران خانواده‌های ازدواج اول دوم به بالا از آزمون یومان ویتنی (Mann–Whitney U test) استفاده گردید.

ملاک‌های ورود شامل داشتن تجربه ازدواج اول و دوم به بالا، ساکن استان مازندران بودن و تمایل به شرکت در پژوهش بود. ملاک خروج دستیابی به پرسشنامه‌های ناقص بود. برای رعایت اصول اخلاقی سعی شد آسیبی به شرکت‌کنندگان وارد نشود، اطلاعات آن‌ها محرمانه باقی بماند و از آن‌ها رضایت‌نامه کتبی دریافت شود. داده‌های پژوهش با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحلیل شد.

مقیاس سازگاری زناشویی (Dyadic Adjustment Scale یا DAS): ابزاری است که در سال ۱۹۷۶ توسط Spanier طراحی‌شده است. این مقیاس میزان سازگاری زوجین را با ۳۲ پرسش و در قالب چهار خرده مقیاس رضایت، همبستگی، توافق و ابراز محبت می‌سنجد. نمره افراد بین صفر تا ۱۵۱ قرار می‌گیرد و نمره بالاتر نشان‌دهنده سازگاری بیشتر است. اعتبار نمره کل و خرده مقیاس‌های این آزمون، یعنی رضایت، همبستگی، توافق و ابراز محبت، به روش همسانی درونی به ترتیب ۰/۹۶، ۰/۹۴، ۰/۸۶، ۰/۹۰ و ۰/۷۳ بوده است. بعلاوه از روایی محتوایی، ملاکی و سازه خوبی برخوردار بوده است (۴).

در ایران ملازاده و همکاران اعتبار این مقیاس را به روش بازآزمایی و همسانی درونی به ترتیب ۰/۸۶ و ۰/۸۹ گزارش کردند. بعلاوه، روایی هم‌زمان آن با پرسشنامه سازگاری زناشویی Locke-Wallace برابر ۰/۹۰ گزارش کردند (۲۰).

یافته‌ها

در جدول ۱ و ۲ داده‌های جمعیت شناختی و یافته‌های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش ارائه‌شده است.

جدول ۱. داده‌های جمعیت شناختی مربوط به شرکت‌کنندگان

	متغیر	فراوانی	درصد		متغیر	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۵۶۴	۵۰/۰۴	تحصیلات	کمتر از دیپلم	۱۴۳	۱۲/۶۹
	زن	۵۶۳	۴۹/۹۶		دیپلم	۳۳۱	۲۹/۳۷
سن	۲۰ تا ۲۵ سال	۶۳	۵/۵۹		کاردانی	۳۲۶	۲۸/۹۳
	۲۶ تا ۳۰ سال	۲۸۵	۲۵/۲۹		کارشناسی و بالاتر	۳۲۷	۲۹/۰۲
	۳۰ تا ۴۰ سال	۳۵۵	۳۱/۵۰	مدت ازدواج	۱ تا ۵ سال	۵۴۶	۴۸/۴۵
	بیشتر از ۴۰ سال	۴۲۴	۳۷/۶۲		۵ تا ۱۶ سال	۲۹۵	۲۶/۱۸
شغل	آزاد	۴۸۶	۴۳/۱۲		۱۷ تا ۲۱ سال	۱۷۲	۱۵/۲۶
	دولتی	۲۵۴	۲۲/۵۴		بیشتر از ۲۱ سال	۱۱۴	۱۰/۱۲
	بیکار یا خانه‌دار	۳۸۷	۳۴/۳۴				

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1398.17.2.5.0]
[DOI: 10.52547/rbs.17.2.214]

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی مربوط به سازگاری همسران به تفکیک خانواده‌های ازدواج اول و ازدواج دوم به بالا

متغیر	ازدواج دوم به بالا			ازدواج اول		
	تعداد	میانگین	انحراف از معیار	تعداد	میانگین	انحراف از معیار
رضایت همسران	۵۰۲	۲۷/۵۵	۱۰/۵۷	۶۲۵	۳۲/۳۴	۹/۹۸
همبستگی همسران	۵۰۲	۱۳/۱۳	۳/۸۵	۶۲۵	۱۳/۹۶	۳/۷۴
توافق همسران	۵۰۲	۴۱/۰۱	۱۴/۷۹	۶۲۵	۴۷/۷۳	۱۴/۴۹
ابراز محبت همسران	۵۰۲	۱/۰۸	۰/۸۶	۶۲۵	۱/۲۹	۰/۸۴
سازگاری همسران	۵۰۲	۸۲/۷۸	۲۶/۰۶	۶۲۵	۹۵/۳۲	۲۵/۲۷

برای بررسی نرمال بودن داده‌ها از آزمون کولموگروف–اسمیرنف (Kolmogorov–Smirnov test) استفاده شد. نتایج این آزمون نشان داد که نمره کل سازگاری و خرده مقیاس‌های آن معنی‌دار است ($p>۰/۰۱$). بنابراین برای مقایسه میانگین سازگاری همسران بین خانواده‌های ازدواج اول دوم به بالا از آزمون ناپارامتری یو من ویتنی استفاده شد. نتایج این آزمون در جدول ۳ ارائه‌شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون یو من ویتنی مربوط به مقایسه میانگین سازگاری همسران بین خانواده‌های ازدواج اول دوم به بالا

ابعاد	گروه	تعداد	میانگین	انحراف از معیار	Z	p
رضایت زوجین	ازدواج دوم به بالا	۵۰۲	۲۷/۵۵	۱۰/۵۷	-۷/۴۹	۰/۰۰۰۹
	ازدواج اول	۶۲۵	۳۲/۳۴	۹/۹۸		
همبستگی زوجین	ازدواج دوم به بالا	۵۰۲	۱۳/۱۳	۳/۸۵	-۳/۳۳	۰/۰۰۱
	ازدواج اول	۶۲۵	۱۳/۹۶	۳/۷۴		
توافق زوجین	ازدواج دوم به بالا	۵۰۲	۴۱/۰۱	۱۴/۷۹	-۷/۵۳	۰/۰۰۰۹
	ازدواج اول	۶۲۵	۴۷/۷۳	۱۴/۴۹		
ابراز محبت زوجین	ازدواج دوم به بالا	۵۰۲	۱/۰۸	۰/۸۶	-۴/۰۳	۰/۰۰۰۹
	ازدواج اول	۶۲۵	۱/۲۹	۰/۸۴		
سازگاری زوجین	ازدواج دوم به بالا	۵۰۲	۸۲/۷۸	۲۶/۰۶	-۷/۹۱	۰/۰۰۲
	ازدواج اول	۶۲۵	۹۵/۳۲	۲۵/۲۷		

همان‌طور که در جداول ۳ ملاحظه می‌گردد میانگین متغیرهای همبستگی، توافق، ابراز محبت و رضایت زوجین و به‌طورکلی سازگاری همسران در گروه خانواده‌های ازدواج اول بیشتر از خانواده‌های ازدواج دوم به بالا است. همچنین اختلاف مشاهده‌شده در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف مقایسه رضایت، همبستگی، توافق، ابراز محبت و سازگاری همسران در ازدواج اول و دوم به بالا انجام شد. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که همبستگی، توافق، ابراز محبت و رضایت زوجین و به‌طورکلی سازگاری همسران در خانواده‌های ازدواج اول بیشتر از خانواده‌های ازدواج دوم به بالا است. به‌عبارت‌دیگر زوجین در ازدواج اول همبستگی، توافق، ابراز محبت و رضایت بیشتری را تجربه می‌کنند. نتایج این پژوهش با یافته‌های McDonald و همکاران (۶)، McCarthy و McCarthy (۱۶)، Lucas (۱۷) و احمدی (۱۸) همسو است. McDonald دریافت که افراد دارای سابقه ازدواج قبلی سازگاری زناشویی کمتری نسبت به افراد فاقد سابقه قبلی ازدواج دارند. بعلاوه ازدواج قبلی با سازگاری زناشویی پایین‌تر رابطه دارد (۶). McCarthy و McCarthy گزارش

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1398.17.2.5.0]
[DOI: 10.52547/rbs.17.2.214]

کرد که ۶۵ تا ۷۰ درصد ازدواج‌های دوم به طلاق می‌انجامد، اما در ازدواج‌های دوم موفق رضایت و افتخار زناشویی بیشتری نسبت به ازدواج‌های موفق اول تجربه می‌شود (۱۶). Lucas دریافت که سازگاری زناشویی بالاتری در ازدواج‌های اول نسبت به ازدواج دوم تجربه می‌شود (۱۷). احمدی در پژوهش خود نشان داد که حدود ۲۴/۵ درصد از زنان فاقد همسر شهید یا متوفی ازدواج مجدد داشته‌اند. از بین ۲۴/۵ درصد زنان دارای ازدواج مجدد ۳۶ درصد دچار ناسازگاری زناشویی و ۱۶ درصد در حال طلاق بودند (۱۸). باوجوداین نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های Bir Aktürk (۱۹) همسو نبود. وی دریافت که تفاوتی بین افراد ازدواج اولی، ازدواج‌کرده پس از طلاق و ازدواج‌کرده پس از داغدیدگی در رضایت زناشویی (اندازه‌گیری شده با مقیاس سازگاری زناشویی) وجود ندارد (۱۹).

در تبیین نتایج فوق می‌توان گفت که ازدواج‌های دوم به بعد با استرس‌ها و چالش‌های قابل‌توجهی روبرو هستند، عواملی که می‌توانند رضایت، همبستگی، توافق، ابراز محبت و سازگاری همسران را در ازدواج‌های بعدی کاهش دهند. ازنظر McCarthy و Ginsberg آنچه در ازدواج دوم اهمیت دارد ساخت یک پیوند زناشویی قوی، محکم، مبتنی بر احترام، اعتماد و صمیمیت و همچنین یک سبک زناشویی راحت و کاربردی است (۱۵).

همان‌طور که پیش‌ازاین ذکر شد دوام و پایداری یک خانواده به‌واسطه ازدواج حفظ می‌شود، اما برای این کار یک محیط خانوادگی سالم نیاز است تا زوجین به یکدیگر اعتماد کنند، خود را به عشق و احترام مجهز سازند، مهارت‌های حل مسئله خود را گسترش دهند و ارتباط سالم با یکدیگر را ادامه دهند. بعلاوه به‌واسطه یک ازدواج خوب احساس معنی و هویت در زندگی خود داشته باشند (۱). شاید به همین خاطر است که اگرچه ۶۵ تا ۷۰ درصد ازدواج‌های دوم به طلاق می‌انجامد، اما در ازدواج‌های دوم موفق رضایت و افتخار زناشویی بیشتری نسبت به ازدواج‌های موفق اول تجربه می‌شود (۱۶). باوجوداین، ازدواج دوم می‌تواند با چالش‌ها و عوامل استرس‌زایی همچون رفتار همسر سابق، عصبانیت از همسر سابق، انتقام‌جویی، دعوا بر سر پول یا سرپرستی فرزندان، نامادری و ناپدری همراه باشد. یکی دیگر از مسائل موجود تفکر «چه می‌شود اگر» در مورد موضوعات مختلف ازجمله حمایت از کودک، عملکرد جنسی و نامادری یا ناپدری است. مبارزه و کشمکش با موضوعات مربوط به ازدواج اول و دوم سبب کاهش سازگاری زوجین و درنتیجه مانع از رضایت و پایداری ازدواج دوم می‌شود. از سوی دیگر این زنان و مردان ممکن است پس از مواجهه با این مسائل کمتر به دنبال درمان یا کمک گرفتن از سایر متخصصان (روانشناسان، روان‌پزشکان، مشاوران خانواده، زوج درمان گران، وکلا) باشند؛ عاملی که باعث مزمن شدن مشکلات آن‌ها، کاهش سازگاری، جدایی و درنهایت طلاق و شکست در ازدواج دوم آن‌ها می‌شود (۱۵).

درمجموع، نتایج پژوهش حاضر نشان داد که ازدواج دوم به بالا با کاهش همبستگی، توافق، ابراز محبت، رضایت و به‌طورکلی سازگاری همسران همراه است. نتایج این پژوهش پیشنهاد می‌کند که همسران نباید برای فرار از مشکلات عجله نموده و به امید ازدواج مجدد به‌سرعت وارد فرایند طلاق و ازدواج مجدد گردند. این موارد باید در مشاوره‌های قبل از ازدواج و خانواده به‌ویژه در افراد دارای سابقه ازدواج موردتوجه قرار گیرد. همچنین همسران از عجله و شتاب در امر طلاق برای ازدواج مجدد بازداشته شوند.

از دشواری‌ها و محدودیت‌های مهم این پژوهش می‌توان به عدم همکاری مشترک زوجین در برنامه‌های مشاوره‌ای و پژوهشی اشاره کرد. علاوه بر این تابو بودن مسئله ازدواج مجدد نه‌تنها منجر به عدم مشارکت این خانواده‌ها در پژوهش‌ها بلکه حتی در موقعیت‌های ضروری جهت دریافت کمک می‌شود؛ ازاین‌رو عدم دسترسی به آمار دقیق خانواده‌های ازدواج مجدد و عدم امکان نمونه‌برداری تصادفی از دیگر محدودیت‌های این پژوهش بود.

تقدیر و تشکر

بدین‌وسیله از کلیه افرادی که ما را در انجام این تحقیق یاری رساندند تشکر و قدردانی می‌نماییم.

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1398.17.2.5.0]
[DOI: 10.52547/rbs.17.2.214]

References

1. Mansouri N, Kimiaee S, Mashhadi A, Mansouri A. The effectiveness of self-regulation couple therapy on marital satisfaction, identity style and family problem solving. Clinical Psychology & Personality. 2016; 14(1):51-60. [In Persian].
2. Kendrick HM, Drentea P. Marital adjustment. In: CL Shehan (Eds,), The Wiley Blackwell encyclopedia of family studies. New York: John Wiley & Sons, Inc; 2016.
3. Güven N. Analysis of the theses about marital adjustment (2006-2016). International Journal of Psychology and Educational Studies. 2017: 4(2):54-63.
4. Spanier GB. Measuring dyadic adjustment: New scales for assessing the quality of marriage and similar dyads. Journal of Marriage and Family. 1976; 38(1):15-28.
5. Namvaran Germi K, Moradi A, Farzad V, Zahrakar K. Identifying the dimensions of marital adjustment in Iranian couples: A qualitative study. Journal of Health and Care. 2017; 9(3):182-94. [In Persian].
6. McDonald JE, Olson JR, Lanning AH, Goddard HW, Marshall JP. Effects of religiosity, forgiveness, and spousal empathy on marital adjustment. Marriage & Family Review. 2018; 54(4):393-416.
7. Siegel A, Levin Y, Solomon Z. The role of attachment of each partner on marital adjustment. Journal of Family Issues. 2019; 40(4):1-20.
8. Rashmi R, Lok Nath S, Aran Kumar J. Relationship between emotional maturity and marital adjustment among couples. Indian Journal of Health & Wellbeing. 2017; 8(9):1020-23.
9. Li A, Robustelli BL, Whisman MA. Marital adjustment and psychological distress in Japan. Journal of Social and Personal Relationships. 2016; 33(7):855-66.
10. Zerach G, Levi-Belz Y, Michelson M, Solomon Z. The role of marital adjustment in suicidal ideation among former prisoners of war and their wives: A longitudinal dyadic study. Psychology of Violence. 2019; 9(3):245-56.
11. Lata Rao S. Marital adjustment and depression among couples. The International Journal of Indian Psychology. 2017; 4(2):34-42.
12. DeLongis A, Zwicker A. Marital satisfaction and divorce in couples in stepfamilies. Current Opinion in Psychology. 2017; 13:158-61.
13. Statistical Center of Iran. Marriage and divorce registered in urban areas. Retrieved from https://www.amar.org.ir; 2019. [In Persian].
14. Statistical Center of Iran. Marriage and divorce registered in rural areas. Retrieved from https://www.amar.org.ir; 2019. [In Persian].
15. McCarthy BL, Ginsberg RL. Second marriages: Challenges and risks. The Family Journal. 2007; 15(2):119-123.
16. McCarthy B, McCarthy E. Getting it right this time. New York: Routledge; 2005.
17. Lucas KL. The quality of marital adjustment between first and second marriages in black families (remarried, reconstituted). Doctoral Dissertation, Kansas State University; 1984.
18. Ahmadi K. A comparative study of remarriage effects on psychological hygiene of martyr's spouses and widows. Clinical Psychology & Personality. 2004; 1(7):35-45. [In Persian].
19. Bir Akturk E. Marital satisfaction in Turkish remarried families comparison among marital status, effects of stepchildren, and contributing factors. MSc Thesis, Middle East Technical University. 2006.
20. Molazadeh J, Mansour M, Ezhehei J, Kiamanesh A. Coping styles and marital adjustment among martyr's children. Journal of Psychology. 2002; 6(3):255-75. [In Persian].

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.17352029.1398.17.2.5.0]

[DOI: 10.52547/rbs.17.2.214]

Comparison of dyadic satisfaction, dyadic cohesion, affectional expression, dyadic consensus, and marital adjustment among spouses with first marriage and remarriage

Mojgan Emdady[1], **Majid Zargham Hajebi**[2], **Hassan Mirzahoseini**[3], **Nader Monirpour**[4]

Original Article

Abstract

Aim and Background: Intolerance and hurry of couples in making decision of divorce and remarriage has been weakened foundation of family. Therefore, the aim of this research was to comparison of dyadic satisfaction, dyadic cohesion, affectional expression, dyadic consensus, and marital adjustment among spouses with first marriage and remarriage.

Methods and Materials: The population of the research includes all families with first marriage and remarriage in Mazandaran province. The sample of this study was 1127 subjects of (251 subjects with remarriage and 313 subjects with first marriage) which were selected through convenience sampling. Participants completed Dyadic Adjustment Scale (DAS). The data were analyzed by descriptive statistics and U Man-Whitney Test.

Findings: Results showed that mean score of dyadic satisfaction, dyadic cohesion, affectional expression, dyadic consensus, and totally marital adjustment are in families with remarriage are more than families with first marriage (p<.05).

Conclusions: Findings showed that couple should not avoid of problems and they do not make decision about divorce rapidly and they do not remarriage after divorce immediately. These issues should consider in divorce counseling and couple counseling before making decision for divorce by psychologist and family therapist. Also, couples should be prevented hurry in divorce decision and remarriage.

Keywords: dyadic satisfaction, dyadic cohesion, affectional expression, dyadic consensus, and marital adjustment.

Citation: Emdady M, Zargham Hajebi M, Mirzahoseini H, Monirpour N. **Comparison of dyadic satisfaction, dyadic cohesion, affectional expression, dyadic consensus, and marital adjustment among spouses with first marriage and remarriage.** J Res Behav Sci 2019; 17(2): 214-220.

Received: 2019.07.14 Accepted: 2019.08.23

1- Ph.D. Student in Psychology, Department of Psychology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.
2- Assistant Professor, Department of Psychology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.
3- Assistant Professor, Department of Psychology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.
4- Assistant Professor, Department of Psychology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.
Corresponding author: Majid Zargham Hajebi Email: zarghamhajebi@gmail.com

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.17352029.1398.17.2.5.0]
[DOI: 10.52547/rbs.17.2.214]